

تعیین هویت مجرمین در زندان

سفید، گیلای، سبزگون، گندمی موهای بدن مشکی خرمائی سفید سیاه و سفید طلائی ابروهای مشکی پیوسته کمائی مستقیم و کشیده دریده، نئیده پهن و باریک، بینی کوتاه پهن یا بلند و عقابى برگشته یا یخیده، لب و دندان و گوش و چشم و سر دارای علائم مشخصه و رنگهای ممتاز و همچنین - دسته دیگر آمدند این قاعده را مخلوط با عکاسی نمودند یعنی پس از پیدایش تصویر سازی و عکاسی علاوه بر داشتن شکل و هیكل رنگ هر عضوی را معین نموده و بایکدیگر در موقع ضرورت تطبیق مینمودند.

بدیهی است جمیع این قواعد ما را از خطای عمل آسوده نمیسازد زیرا ثانیاً در زندگی کفایت انسانی گویا خاموش شود و بدان نهج نیز رنگ و اندازه و شکل و قواره بدنش تغییرات بسیار بیند چه بسا رنگ صورت و مو و وسعت و فراخی و ظرافت و سطربری استخوان بدن در سنی نسبت به سنین پیش تحولات بیشماری بخود گیرد یعنی قاعده نقش و نگار و عکس و رنگ باز هم ما را بی نیاز از تحقیق دقیق هویت یک شخص ننماید. پس باید در کارگاه خلقت انزودی همانسان که دوفرد انسان را یکسان خلق نکرده و در هر آنی تفاوتیهای مشخص برای تمیز هر یک آنها از دیگری موجود ساخته پی برد کدامین صفات ظاهری میتواند حالت جسمانی هر موجود انسانی را مجسم ساخته و او را باستودن خصوصیاتش بنحویکه دلخواه است نشان داد.

یکی از خصوصیات آدمی وجود اشعه گرداگرد بدنش میباشد که ایجاد بوی مخصوصی برای هر کس میکند و علت کشف اغلب جرائم بکمک سگهای پلیس وجود همین اشعه دور بدن است که در محیط جرم و روی آثار باقیه جرم گذاشته و این حیوان هشیار را با تیزی کشنده و شامه تند و حساسش واقف باسراز مرتکب میکند. آثار این اشعه خارجی بدن در طرز فعل و انفعال بیشتر در نقاط تیز بدن مثل تنگ

طرز تعیین مجازات و تأثیرش در تکرار جرم منوط باین است که دو گناه از یک شخص صادر شود و از طرفی هر گنه کار چون در پیشگاه دادگاه جزائی حضور یابد نخست پندارش انکار سابقه گناه و تغییر نام و نشان و هویت خوبش است تا از تأثیر سابقه و اثر تکرار جرم مصون باشد و اغلب نام حقیقی خویش را کتمان نموده بنام دیگری خود را معرفی مینماید لذا تنها چیزی را که در دادگاه و دادسرای در نهایت لزوم و غایت اهمیت باید مرعی دارد همانا تشخیص و تحقیق دقیق هویت مجرمین است.

طرز تعیین هویت گنه داران

قاعده اندازه گیری

پیشینیان این فن برای تعیین نام و نشان محکومین و تطبیقش بانام و نشان متهمین جدید قاعده اندازه گیری را بکار برده و معتقد بودند چون از سن بیست انسان تقریباً برشده میرسد که اندام و اعضای بدنش تغییر مینماید و ثبات مخصوصی در پهنی و درازی اندام بخود میگیرد لذا با تعیین اندازه آدمی میتوان او را بنحوی ستود که در میان افراد جامعه برگزیده و ممتاز باشد ولی از آنجا که تطبیق اندازه مقصود غائی این فن را بر نمیآورد و بسا ممکن است دو کس از حیث اندازه اعضاء بهم شبیه ولی یکی گنه دار و دیگری بی گناه باشد و یا در تطبیق ثانی در اثر تغییرات اعضاء مطابقت و مشابهتی با اعضاء گنه دار پیش بهم برترند و از این حیث نتیجه تحقیقی بمیان نیاید لذا عمر اجراء این قاعده چندان دوامی نیاورده و میان علماء این فن متداول نشد.

دسته بعد پیدا شدند قدری توسعه بهمان اصل کهنه پیش داده قاعده رنگ و نگار را بمیان آوردند و انسانی را بر رنگ اعضاء و نگار اندام نشان میدادند و تصویر ناطقی تقریباً ایجاد میکردند بدین ترتیب که رنگ صورت سفید، مهتابی، سرخ و

ترکیبات خاصی ایجاد نموده و صورت معینی ظاهر می سازد البته بلندی و کوتاهی امواج این اصوات بستگی با ساختمان ریه و فراخی سقف دهان دارد. قدری که در محوطه دهان خود یعنی فضای بین دو فک تماشا کنید می بینید با حرکت دو فک اشکال مختلف هندسی را میسازند اصولاً ساختمان فک دهان شلجمی شکل و چون دهان ماهی بسته و باز می شود گاهی شکل دوره بیضی را میگیرد گاهی مدور و گاهی بر هم میلفزد. فراخی سینه قدرت ریه که تاچه اندازه در خود باد کند و بیرون دهد شدت صدا یعنی بم و زیر را جلوه گر میکند البته ما آواز انسانرا نباید در گامهای غیر طبیعی متهم و تصنعی منظور داریم بلکه طرز تکلم و صحبت عادی او را در نظر میگیریم و تطبیق بایکی از پرده های موسیقی (دو، می، فاسل، لایسی) نموده در کتابچه مخصوصی یادداشت مینمائیم که متهم عادتاً با حالت آهنگ پرده (ر) یا پرده سل با سی صحبت میکنند اگر موفق شویم صداهای مجرم را بمحض ورود بزندان در دستگاه ضبط صوت بایگانی نمائیم بهترین وسیله عملی این قاعده است.

رنگ

در قسمت تمیز رنگ بدن تنها نقطه ثابتی را که میتوان بکمک آن صفت شخصی را معین ساخت همان رنگ قرنیه و مردمک چشم است آفتاب سرما بادهای شدید عوامل مؤثری هستند که در سراسر پوست بدن تأثیر نموده و رنگ پرده روی بدنرا نارنگ و یا بکلی تغییر رنگ میدهند تنها نقطه که کمتر در اثر این عوامل تغییر می یابد رنگ نخم چشم است چه در مقابل افعال این عناصر بلك چشم تنگ شده مژه ها نیز كمك کرده چشم را از تأثیر عوامل سوزان مصون میدارند و اگر امتحان کنید تنها نقطه که فوراً انسانرا متوجه شناسائی شخص مینماید همان چشم است حدقه چشم و ابرو و ساختمان حفره زیر چشم زود انسانرا از سایر افرادش ممتاز می سازد چنانکه اگر چهره کسی را باروبندی مستور کنند و فقط چشمان و ابروان و نقاط گود زیر چشم را باز بگذارند فوراً شناخته میشود و برعکس با مستور ساختن چشم و کشودن نقاط دیگر بدن چندان تأثیری در شناسائی حاصل نمی شود

انگشتان دست و تک بینی و چانه و کاسه زانو میباشد اعضاء رئیسه بدن قلب و ریه و کبد و غیره در طرق عمل و ایجاد مزج و ترکیب ناشی از افعال معده ایجاد گاز هائی در بدن مینمایند این گازها در طرز صعود متفاوتند و بحکم قانون طبیعت خلقت هرگازی چون سبکتر از هر روان و بسته است (مابع و جامد) لذا میل بصعود دارد ولی در طرز صعود متفاوتند یا در نقاط خارج بدن پخش و پراکنده میگردند یا بسمت مخصوصی در خط مستقیم بدون انحراف صعود میکنند (اغلب بسمت مغز رفته ایجاد مایخولیا و سوسه ها و و هم اراده مخصوصی مینمایند که منشاء ارتکاب اغلب جرائم میشوند) این گازها گدا گرد بدن همیشه در کارند و اعمالشان منطبق با افعال گردش بزرگ خون بدن است و بیشتر آثارشان در ناحیه زیر بغل و تک بینی است.

شاید امتحان کرده اید اغلب لباس و ریختن خواب و شمد ها بوی مخصوص بدن همان کسی را که در آن آرمیده بوده است به بینی شما میرساند حتی تمیز و تفاوت میدهد که آن بوی ناشی از مرد است یا ناشی از زن. در هر صورت وجود این گازها در هر سن مختلف است پیری، جوانی، کودکی طرز ترشحات نطفه خورد و نوش و سایر اعمال حیاتی در طرز تکوین این گازها مؤثر و حاصلشان در گرد بدن تفاوت مینماید. بنابراین عنصر بوی بدن و ستودنش با تطبیق بایکی از بوهای خارجی صفت ممتاز هر کس را تا حدی معین مینماید و رعایت این اصل دو حسن بزرگی دارد یکی در کشف جرم و یکی در تعیین سابقه و هویت گنه دار چه با کشف اثر بوی مرتکب در محیط جرم و تطبیقش با بوی بدن مظنون که بدست آمده هویت او را مشخص میسازد و همچنین با کشف اثر بوی مرتکب در محیط جرم و تطبیقش با تعریف و توصیف بوی بدن که سابقاً در گنهنامه اش ضبط و یاد داشت کرده ایم هویت و نام و نشان او را معین مینماید.

دیگر از مشخصات انسان صدای او است. صدا از لوله حنجره که بسان شیپور پرده داری است بیرون میدمد امواج این شیپور با حرکات مخصوص فک و زبان و شرع الحثک

پس از این تقسیم نه گانه که به سه خانه تجزیه شد هر يك را درباره از حيث بلندی یا سه قسمت می‌کنیم و به یا بلند میانه یا کوتاه توصیف می‌نمائیم یعنی پس از توصیف قامت و سر اندازه یا میان می‌آید که زودتر او را امتیاز میکند تا اینجا بیست و هفت خانه پیدا می‌شود پس از وصف بلندی یا و ردیف بندی هر يك را از حيث بلندی و کشیدگی بازو نیز سه قسمت می‌کنیم و پس از ختم این تقسیمات عنصر امتیاز مهم یعنی رنگ چشمان را وصف خواهیم نمود در خانه پهنای سر را که امتیاز خاصی در خلقت اشخاص دارد از حيث ظرافت و برجستگی و بی‌چیدگی گونه کوچکی تعریف و بعد بلندی و کوتاهی انگشت وسطی دست را اندازه گیری کرده تقسیمات و خانه بندی خود را خاتمه می‌دهیم.

البته با داشتن این معلومات استفاده های عملی خوبی خواهیم داشت با مشاهده آثار باقیه در محیط جرم که مرتکب از خود باقی گذاشته و تطبیقش با وصف نامه هر يك که در زندان موجود است فوراً پی بهویت مرتکب می‌بریم بدیهی است هر يك از این قواعد را بدو شبکه بزرگ تقسیم نموده یکی را شبکه زنان و یکی را شبکه مردان نام‌نهادن نام‌نهادن کارش آنا در چهار زحمت نباشیم.

پس دیدیم جنس - قد - سن - رنگ چشم چقدر دخالت در اوصاف انسانی که سبب امتیازش از دیگران است میباشد. پس از ختم این خانه بندی ها یا کتلهای مخصوصی در هر خانه روی اسم هر يك از محکومین می‌گذاریم و در جوف آن پاکت کاغذهای مخصوصی که نشان نامه مرتکبین است قرار می‌دهیم روی این نشان نامه ها آثار انگشت و نقش پا و دووه بدن و صورت را بر می‌داریم (از حيث خطوط) اسم پدر و مادر و سن و ولادتگاه و حرفه های مختلفش را ثبت می‌کنیم جرائمی را که مرتکب شده مینویسیم و مخصوصاً نحوه ارتکاب را خیلی روشن و ناطق تشریح می‌نمائیم مثلاً مرتکب قتل و وارد زندان شد عادتش را در ارتکاب مقایسه نموده می‌بینیم سنج عملش پاره کردن شکم یا بریدن سر یا بریدن و زدیدن سر یا بریدن و کشتن و سرقت اموال یا کشتن و دفن و مخفی

در هر صورت با ستودن رنگ چشم به آبی میشی فیروزه سیاه زاغ خرمائی مرتکب را خوب معرفی می‌توانیم بنمائیم. و همچنین اندازه اعضاء را از حيث بلندی و درازی و سطربری یادداشت و اندازه قامت از حيث باریکی پهنائی و درازی سر و گردن و بلندی پا و ساق پا و انگشتان دست و صف موی ریش و سبالت (اگر باشد) را خوب مجسم مینمائیم.

طرز طبقه بندی مجرمین در زندان برای

تعیین هویتشان

ابتدا اشخاص را از حيث قامت سه دسته تقسیم مینمائیم بالا بلند میانه کوتاه.

بنابراین در خانه اول سه قسم ردیف داریم اول - اشخاصی که بالا و قامتشان بلند است که پس از ورود بزندان نامش را مشخص و بترتیب حروف تهجی او را در عداد بلند بالایان ثبت و اگر قامتش کوتاه یا میانه باشد بهمان ترتیب در آن ردیفها وارد و ثبت مینمائیم. بعد هر يك از این سه طبقه را از حيث بلندی سر سه طبقه تقسیم می‌نمائیم ولی در این قسمت بندی ثانوی رعایت ترتیب بلندی قد و سر را با هم نمی‌کنیم بلکه مطلقاً بلندی سر را منظور می‌داریم مثلاً شخصی اسمش معلوم شد می‌بینیم قدش میانه است (با مقایسه با اندازه سانتیمتر مخصوص) فوراً سر او را امتحان می‌بینیم بلند و کشیده است بنا بر این در ردیف میانه بالا در خانه بلند سر او را ثبت می‌نمائیم یا اگر قامتش بلند و سر کوتاه باشد مراجعه بخانه کوتاه سران بلند بالا نموده بترتیب حروف تهجی نامش را ثبت می‌نمائیم پس هر يك از تقسیمات سه گانه ثابت تجزیه بخانه های سه گانه اندازه سر میشود که جمعاً خانه ایجاد می‌گردد یا برعکس گنهداری که سابقاً گناه دارد به زندان وارد میشود نخستین بار بقامتش نگاه می‌کنیم مثلاً کوتاه قد است فوراً مراجعه بدفتر کوتاه قامتان نموده بعد مراجعه باندازه سر می‌کنیم می‌بینیم بلند و کشیده است فوراً ردیف بلند سران را کوش و سوابق او را مشاهده خواهیم نمود.

رفته و مخفی شده مرتکب میگردند در هر صورت کلیه این اوصاف را مشروحاً باید در نشان نامه ها نوشت رعایت این اصول و قواعد مخصوصاً از طرف دوائر کشف اسرار و کشف احوال مرتکبین قواء شهربانی را خوب واقف بعبادات محیط خود میسازد زحمتهای تحقیق را میکاهد فرصت های فرار مرتکبین را میگیرد محو آثار جرم را مانع میشود نتیجه کشف جرم را زود متجلی میسازد قضاة محاکم با تطبیق آثار محکومین سابق و لاحق اثر تکرار جرم را بسهولت در تصمیمات خود دخالت میدهند ولی شرطش اینست محکمه که اثر تکرار جرم را دوباره مرتکب اجراء میکند همان محکمه که قبلاً او را محکوم نموده است باشد زیرا آشنا و مسلط تر بروحیات و تنبیه و تأدیب و تأثیر مجازات در محکوم است.

رضا لطفی - باز پرس تهران

کردن جنازه یا کشتن و فرار بدون اینکه تصرفاتی در جنازه بنماید میباشد آلتی را که بدان مرتکب عمل خویش گردیده مقایسه می بینیم یا کارداست یا هفت تیر یا ضربه های وارده بر نقاط حساس بدن مثل فم معده و محل صدغین که بیهوشی و مرگ آتی تولید میکند - یادداشت عاداتهای مرتکب در این نشان نامه ها خیلی قیمت دارد. مستنطق را زود واقف باسرار مرتکب میسازد مثلاً عادت سارق را می بینیم فقط جیب بری یا فقط شبروی و دزدبهای شبانه است یعنی هرگز روز مرتکب عملی نمیشود ضمن عادت می بینیم بعضی عادت بنکستن قفل درب ورود دارند برخی ابدأ قفل نمی شکنند عملشان بالا رفتن از حرز و دیوار است بعضی عادت به نقب کنی دارند برخی مرتکب هیچ يك از این افعال که منشاء آثارشان در محیط جرم میگردد نمیشوند و عملشان ترصد و کمین است یعنی فرصتی را منتظرند که پس از بازبودن درب درون مسکنی

دنباله شماره ۱۳ سال سوم

چرا و چگونه باید شروع بجزا را مجازات نمود؟

(طرح مسئله در حقوق مقایسه)

در حقوق قدیم فرانسه بدیده نویسندگان آن عهد بنگریم می بینیم که آنان اعمال بزهارا فقط از نقطه نظر مادی و خارجی تحت مطالعه قرار داده و تشخیص ذیل را قائل میشدند.

بکرشته اعمالی را که با اسم *Comatus romiztus* می نامیدند آهائی بودند که عملاً و مادناً با قصد بزه فاصله زیادی داشته و ارتکاب آنها مقدماتی بیش محسوب نمی شده و چون مرتکب آن خیلی دور از نیل بمقصود سوء خود بوده بالنتیجه از مجازات معاف میشده است.

برعکس دسته دیگر از اعمال که با اسم *Cofnotusp roximus* شناخته میشده اعمالی بودند که در جوار مقصود سوء واقع و ارتکاب آنان مادناً در خارج مشرف و متصل بعملی شدن قصد بزه بوده است - بعبارت اخری از ارتکاب این دسته دوم کاملاً روشن میشده که مرتکب دست بجنایت زد و بین این اعمال

در شماره ۱۱۰ مسلسل این مجموعه قسمت دوم این مقاله را تشریح و بعد از ذکر عناصر سه گانه قانونی شروع به بزه و پس از بیان قسمتی از شرط اول تحقق آن: (شروع باجرا) رشته سخن ما را بدانجائی کشانید که گفتیم: - «... ولی متأسفانه در عمل تشخیص بین این دو چیز (اعمال مقدماتی و شروع باجرا) کار آسانی نبوده و در بنخصوص علماء حقوق جزا عقاید مختلفه اظهار نموده اند - ما عقاید مزبور را بطور اجمال تشریح و رویه دادگاههای کشور ایران و فرانسه را در این قسمت مورد مذاقه قرار خواهیم داد»

راجع بتشخیص حقوقی اعمال مقدماتی و شروع باجرا عمده عقاید اهل فن بشرح ذیل میباشد:

ا - عقاید نویسندگان قدیم حقوق جزا
اگر از دریچه حقوق جزاء روم قدیم در حقوق قدیم